

<div><div>یادداشت</div></div>
<div><div>حسام‌الدین آشنا</div></div>
<div><div>فعال فرهنگی و سیاسی</div></div>
 <div>ملاحظاتی درباره مستند «ضد قهرمان»</div>

خلخالی یا خلخالیسیم؟

ابتدا باید از شهامت جناب آقای عارف افشار مستند ساز پژوهش‌مدار و سازمان جریان آفرین اوج بابت پرداختن به سوزه‌ای عبرت‌آموز قدردانی کنم. درباره ویژگی‌های مثبت و داده‌های ارزشمند این مستند دیگران گفته‌اند و نوشته‌اند اما من در این جا سعی می‌کنم از سکوت‌ها و ناگفته‌های این مستند بنویسم. مستند «ضد قهرمان» می‌تواند بهانه‌ای برای پرداختن به گذشته، حال و آینده یکی از جریان‌های انقلابی باشد.

عنوان «ضد قهرمان» از همان ابتدا واجد جهت‌گیری منفی نسبت به غایبی است که گویا امروز همه کس علیه اوست؛ حال آن‌که خلخالی غایب نیست او هنوز هم حاضر است چون یکی از بدران معنوی گفتمان سورپارتلابی است. توجه به خلخالی به مثابه یک فرد و تدبیدن او به عنوان یکی از سرشاخه‌های یک گفتمان و جریان سیاسی- مذهبی ریشه‌دار شاید مهم‌ترین ناگفته تحلیلی این مستند باشد.

آیت‌الله خلخالی یکی از نمایندگان شاخص بخشی از جریان موسوم به «فدائیان اسلام» بود. از منظر روان‌شناسی سیاسی، او خود را «نواب صفوی» دوران می‌دید. خلخالی کسی بود که سال‌ها قبل از انقلاب به دلیل تندروی‌ها و همکاری با فدائیان اسلام به مدت یک سال از ورود به مدرسه فیضیه محروم شده بود. تندروی محصول انقلاب اسلامی نبود بلکه حاصل حضور یک جریان تندرو در درون صفوف انقلابیون بود. این گروه تندرو را که می‌توان «پوپولیسم اسلامی- انقلابی» هم نامید، دارای ویژگی‌های زیر بودند/ هستند:

۱- اجرای احکام شرعی و حذف ظواهر غیر دینی را مقصد و مقصود و مسیر حکومت دینی می‌دانستند.
۲- اقداماتی نظیر ترور، تهمت، دروغ، مقابله به مثل و حتی بالاتر از اینها را در مسیر مبارزه مجاز می‌دانستند.
۳- برای اقدامات خود نیازی به حکم مرجعیت نداشتند و تشخیص مصادیق را بر عهده خود می‌دانستند.
۴- حفظ شور انقلابی و رضایت هواداران را بر اصول و فروع دینی و مصالح بلند مدت ترجیح می‌دادند.
۵- راه‌حل‌های ساده برای مسائل پیچیده داشتند و ساده‌انگاره تصور می‌کردند می‌توان به جای مواجهه با ریشه‌های پدیده‌های اجتماعی، صرفاً مظاهر و عوامل فساد را مورد هجوم قرار داد:

• اگر با نظام پهلوی مخالفید کافی است هر کدام از سرانشان را که گیر آوردید اعدام کنید.

• اگر با نظام پهلوی مخالفید کافی است مقبره رضا شاه را تخریب کنید.
• اگر با خود شما مخالفید کافی است اعلام کنید حاضرید به کسی پول دهید تا او را ترور کند.

• اگر با فحشا مخالفید کافی است قلعه را خراب کنید.

• اگر با اعتیاد مخالفید کافی است معتادان و موادفروشان و قاچاقچیان را اعدام کنید.

• اگر با نفاق و مارکسیسم مخالفید کافی است اعضا و هواداران را دستگیر کنید.

• اگر با سازشکاری مخالفید کافی است نمایندگان آنها در مجلس را به فحش بکشید و در منظر عمومی کتک بزنید.
• اگر با سرمایه‌داری مخالفید کافی است است خانه‌های ثروتمندان و زمین‌های زمینداران را مصادره کنید.

• اگر می‌خواهید با صدام بچنگید کافی است بچه‌های کمیته را جمع کنید و به دشمن سبیزی این طیف خودسری و نظم‌ستیزی او طیف

ازانقلابیون که خود را مظهر وجه سلبی، تخریبی و جلال انقلاب اسلامی می‌دانند در دستگیری‌ها، تخریب‌ها، آتش‌زدن‌ها، هتک‌ها و فتک‌ها، مصادره‌ها و اشغال‌ها و احکام دادگاه‌های انقلاب و مواد مخدر و خیابان ستیزی‌ها و حملات بی‌مفهوم انقلابی‌های لیبس شخصی‌ها خلاصه نمی‌شود و ابعاد ناگفته فراوانی دارد. ستیز مداوم خلخالی و مظاهر قانون‌گرایی، تدبیر و اعتدال انقلابی (یعنی قدوسی، بهشتی و آیت‌الله خامنه‌ای) با یکدیگر نه یک امر شخصی بلکه محصول دو نگاه-راهبردی به مفهوم انقلابی‌گری است. خلخالیسیم جریان زنده و پیش‌رونده‌ای است که تداوم انقلاب را در تداوم تندروی و تخریب‌گری می‌یابد.

فرهنگی

سه‌شنبه ۴ دی ۱۴۰۲ • شماره ۸۶۳۶

<div><div>نما</div></div>
<div><div>فیاض زاهد</div></div>
<div><div>استاد دانشگاه و فعال سیاسی</div></div>
 <div>گفت‌وگو با آخرین روزنامه‌نگاری که با خلخالی مصاحبه کرد</div>

چهره اصیل انقلاب بهشتی بودن‌ه خلخالی

فیاض زاهد یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان مستند «ضد قهرمان» است. کسی که آخرین مصاحبه مطبوعاتی را با خلخالی در سال ۱۳۸۲ انجام می‌دهد. روایت زاهد از این گفت‌وگو که در سال‌های آخر عمر خلخالی انجام شده هنوز جذاب است و تصویرروشنی از روزهای آخرزندگی مردی را ترسیم می‌کند که زمانی نامش بسیاری را هراسانده بود: «زمانی که به مقابل منزل شیخ صادق رسیدیم، وی را آماده پیاده روی می‌کردند. هواسرد بود و بوران قم سوزنی به غایت داشت… جنباش به خوبی نمی‌توانست راه برود. زیردست هایش را گرفته بودند. به گاه‌راه رفتن لرزشی برسراسراندامش مشهود بود. در تکلم هم روان نبود و البته همه چیز را خیلی زود به فراموشی می‌سپرد. لباس روحانیت به تن نداشت. لباسی پسان دیگر خلاق و ما بر زمین. از بالا ما را می‌نگریست. نونوار بر تن داشت، آن گونه که به خاطر می‌آورم، به رنگ‌هایی سرد و مرده نزدیک بود و البته کمی هم خاکستری… میرزاتان برای ما صندلی نداشتند و یا نگذاشتند. لذا ایشان پر بلندای نشستند و ما بر زمین. از بالا ما را می‌نگریست. ما هم از پایین به او می‌نگریستیم. گویا این عادتِ مالوف بود که آدمیان را همواره از بالا نگرند. همگان از پایین به او می‌نگریستند و او از بالا! چه بسیار کسانی که حیات و ممانشان به اراده او بستگی داشت. داستان‌هایی که از نحوه محاکمات او بر سررزیان‌ها بود، ابیهامی را دامن می‌زد. اینکه چه بسیار مهمانی که تنها با یک برگ در پرونده به کارشان رسیدگی کرده بود… او در گفت‌وگو با «ایران» با مرور خاطره این مصاحبه تأکید می‌کند که ساخت مستندهایی همچون «ضد قهرمان» به برقراری تعادل و پرهیز از رادیکالیزم گور در اداره جامعه ایرانی بسیار کمک می‌کند.

<div><div>ارزیابی شما از مستند «ضد قهرمان» چیست؟</div></div> <div><div>آن را یک روایت تاریخی می‌دانید یا اثری علیه تندروی و رفتارهای احساسی یا به قولی انقلابی!</div></div>
<div><div>در ابتدا باید به یادداشتی اشاره کنم که چندین سال قبل درباره ملاقاتم با آقای خلخالی نوشتم، نوشته‌ای که در سایت دیپلماسی ایرانی در دسترس است. بخصوص که من آخرین روزنامه‌نگاری هستم که با ایشان گفت‌وگو کردم. در آن مطلب هم جزئیات جالب توجهی به تصویر کشیده شده که مطالعه‌اش خالی از لطف نیست؛ از جمله اینکه او کجا نشسته بود و من کجا! و روند گفت‌وگو چطور پیش رفت. شاید حتی بتوان گفت که به نوعی جنبه دراماتیک هم پیدا کرده است.</div></div>

با توجه به پیشینه‌ای که از مصاحبه با آقای خلخالی دارید، درباره این مستند چه نکته خاصی هست که بخواهید به آن اشاره کنید؟

پیش از آن که بخواهیم به نقد چنین مستندهایی بپردازیم باید بدانیم که ساخت چنین آثاری در ایران چقدر دشوار است. محدودت‌های سیاسی در کشورمان گاهی غیرمنطقی و حتی غیرقابل فهم می‌شود که حتی درباره موضوعاتی که توافقی کلی در پرداخت به آنها وجود دارد هم شاهد بروز خودسانسوری یا حتی برون‌سانسوری هستیم. از این بابت معتقدم که آقای افشار کار بسیار خوبی انجام داده است. تا حد زیادی هم تلاش کرده تا بی‌طرفی‌اش را در مستند حفظ کند و کاری حرفه‌ای انجام بدهد. به خصوص که آقای خلخالی یکی از شخصیت‌های بسیار مهم است، فردی مثل بریا (Lavrentiy Beria) در انقلاب روسیه. توجه به این شخصیت‌ها در تاریخ تحولات هر سرزمینی بسیار اهمیت دارد؛ به قول هگل «تاریخ نوشته می‌شود تا خواننده نشود» و معمولاً این اتفاقات بارها و بارها رخ می‌دهند! چیزی که من در آن مصاحبه به آقای افشار گفتم که البته در مستند ایشان و در حال غرات آن هستند! «لنین هم در جواب جمله عجیبی می‌گوید: اینکه این‌ها از مستنی توده‌هاست؛ وقتی هستی از سرشان پیرد خودشان از این موزه‌ها مراقبت می‌کنند.» از آنجایی که انقلاب‌ها همراه خود هیجان نوعی رادیکالیزم را به همراه می‌آورند به نوعی سبب تولد شخصیت‌های رادیکال نیز می‌شوند که از مصادیق آن می‌توان به ظهور و فعالیت استالین در روسیه و در فرانسه رویسیپرو همچنین افرادی را در کشور خودمان اشاره کرد. این از ویژگی‌های انقلاب‌هاست. از همین رو بسیاری از جامعه‌شناسان، تغییرات اجتماعی برآمده از انقلاب‌ها را بیش از آن که سودآور بدانند زیان‌آور می‌دانند. از همین رو به نظر من کار آقای افشار از جهت هنری کار بسیاری جالبی است و استقبال خوبی هم از آن انجام شد. استقبال از این مستند در جشنواره حقیقت نوع خودش جذاب است. هم یک آموزشی می‌دهد که اگر شما در جایگاه قدرت هستید یا در موقعیت مذهب هستید سعی کنید تا رفتارها و تصمیم‌های همچانی دوری کنید. تلاش کنید با انصاف و معرفت رفتار و در ساری کنید. راستش این مستند برای من هم جالب بود، از آنجایی که من در دوران ابتدایی انقلاب چیده پانزده ساله بودم، تماشای این مستند یادآور بسیاری از اتفاقات آن دوران بود. بازبایی این وقایع مخصوص برای من که در دانشگاه تاریخ تدریس می‌کنم پرکشش است. ساخت این مستند کارها به برقراری تعادل و پرهیز از رادیکالیزم گور در اداره جامعه ایرانی بسیار کمک می‌کند.

<div><div>با توجه به شناختی که از حوزه تاریخ معاصر دارید، در این مستند نکته‌ای بود که برای شما تازگی داشته باشد؟</div></div>
--

یکی از مهم‌ترین نکته‌ها این بود که فراموش کرده بودم که بنی‌صدر، آقای خلخالی را در کمیته مبارزه با مواد مخدر منصوب کرده است؛ در حالی که خودم در مصاحبه به آن اشاره کرده بودم. در آن سال‌های ابتدایی انقلاب، خلخالی قهرمان بود و بهشتی ضد قهرمان! در حالی که شخصاً طرفدار منش نگاه‌آقای بهشتی بودم. حالا با گذشت سه‌سال‌ها، در شرایطی که غبارها کمی فرو نشسته، متوجه شدیم که چهره واقعی و اصیل دوره انقلاب، بهشتی بوده و نه خلخالی! اما بخش پایانی مستند هم با توجه به آن که خودم در آن حضور داشتم برای من جالب بود، جایی که شعر مولانا، «این جهان کوه است و فعل ما نده را می‌خوانم آقای افشار به خوبی آن را به انتهای مستند چسبانده است که خب برای من بسیار جذاب بود.

<div><div>اینهامی از ریختی از روایت‌های تاریخی مستند وجود داشت؛ اینکه احمد خمینی آیا واقعاً پشتیبان خلخالی بود که در آن زمان درصلاحت نشد؟ اینها اینهامات خود مستند است یا اینهامات تاریخی؟</div></div>
--

اینهام تاریخی نیست. اگر مرتبط با این موضوع به سراغ مستندات تاریخی و بی‌طرفانه بروید پاسخ اینها را پیدا می‌کنید؛ چیزی نیست که پنهان بوده باشد. با مطالعه روزنامه‌ها و خاطرات مکتوب و همچنین گفت‌وگو با شاهان زنده آن دوران پاسخ اینها را پیدا می‌کنید. روشن است که آقای خلخالی چون با آقا مصطفی خمینی رفتائی داشت ارتباط خوبی گرفت و پس از آن قدرت رفت و آمد به بیت امام را داشت. البته این نکته را نباید فراموش کنید که شما نمی‌توانید از این فاصله به ماجرا نگاه کردی و آن را نقد کنید! تنفس در آن فضا هم خیلی قدرت می‌خواهد که شما از مسیر منحرف نشوید در حالی که همه چیز جذب رادیکالیسم دارد. درست مثل همین حالا. به یک منظره با نشست که برویم، هرکسی که تندر تو انتقادی تر صحبت کند با تشویق بیشتری روبه‌رو می‌شود، اما افرادی در موضع منطقی آرام‌تر صحبت کند جامعه‌آن را نمی‌پذیرد و او را بی‌رحمانه قضاوت می‌کند. آنچه رخ داد در حد انتظارات جامعه نبود و ل‌ذا جامعه را وادار می‌کند که یک قضاوت بی‌رحمانه کند.

پس این اتفاق که مردم به آقای خلخالی رأی می‌دهند و به عنوان نماینده قم به مجلس قدمی می‌گذارند به نوعی زیرسؤال بردن پیش‌ودریافت‌مردم نیست؟ بر مبنای شرایط و فضای اجتماعی آن روزگار است؟ درست است.

ایران

Iran Daily Newspaper

<div><div>گزارش</div></div>
<div><div>نرگس عاشوری</div></div>
<div><div>روزنامه‌نگار</div></div>

«وَكَلِّكْ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا…» آیه ۱۴۳ سوره بقره که به عنوان دیباچه برپیشانی مستند قرار گرفته است، مخاطب را به تعادلی میان قضاوت و تأمل در روایت‌های تاریخی دعوت می‌کند. روایت از شهرنو آغاز می‌شود. واکنش مردم به تندروی‌های این حادثه، متفاوت از غلیان احساسات انقلابی و رفتارهای ظاهراً متناسب با آن ایهام است. جنس صحبت‌ها از جنس همان آیه ورودی مستند است؛ دعوت به رعایت تعادل. همین ورودیه، اشاره کوتاه اما پرتعلیق برای معرفی میدان‌دار اصلی اقدامات شاذ آن دوره، یعنی صادق خلخالی است. «ضدقهرمان» به‌طور خاص به تصمیمات جنجالی خلخالی در دوران تصد خود می‌پردازد. او که اولین حاکم شرع است، به سرعت به نمادی از «عدالت انقلابی» یا از طرف دیگر «فتارهای تندروانه» تبدیل می‌شود. مستند به مرور، تقابل این تفکر تندروانه با گفتمان تعادل را محور خود قرار می‌دهد و به‌طور ویژه با روایتی از خطب مشی شهید بهشتی، سراغ می‌دهد و تلاش دارد در مسیر نگاه شهید بهشتی در مدار اعتدال حرکت کند، خود انتخابگر باشد. کارگردان با بهره‌گیری از گفت‌وگو با چهره‌های شناخته‌شده‌ای همچون فیاض زاهد، علی‌اکبر ناطق‌نوری، سید حمید



همچنان خلخالی داریم همچنان مخملباف داریم

عارف افشار که پس از سال‌ها سابقه روزنامه‌نگاری با اولین تجربه مستندش «برزخی‌ها» به بخشی از تاریخ از منظر حواشی تویف یک فیلم سینمایی پرداخته شود، در «ضدقهرمان» به بازخوانی چگونگی شکل‌گیری این فضای دو قطبی و تأثیر آن بر افکار عمومی و گاهی جابه‌جایی جایگاه قهرمان و ضدقهرمان پرداخته است.

در مستند قبلی‌تان «برزخی‌ها» هم شاهد تقابل این دو اندیشهٔ اخلاقی بهشتی) بودیم، و اینکه چطور اگر ارتباط عبدالحسین محمدزادهٔ تهیه‌کننده فیلم با شهید بهشتی نبود، اقدام قادی با حکم خلخالی تا پای اعدام رفته بود. آیا باید ساخت «ضد قهرمان» از همان زمان شکل گرفت؟

دقیقاً از زمان ساخت «برزخی‌ها» می‌دانستیم که کار بعدی‌مان پرداختن به این سبوی داستان است. در مستند قبلی روایت کردیم که به یکسری افراد از جمله فردین چه ظلمی شد و چقدر مظلوم واقع شدند و در این مستند به آن سوی این رابطه پرداختیم؛ اینکه این ظلم از جانب چه کسانی و ریشه‌اش کجا بود.

این خبردرست است که سال گذشته مستند شما دقیقهٔ ۹۰ جشنواره بیرون گذاشته شد؟ مشکل حتی قبل از جشنواره بود. باید اول مجوز نمایش حل کنیم تا امکان حضور در جشنواره داشته باشیم. از همان «یا» بسم‌الله با مستند مسأله داشتند. وقتی با طرح این مسأله این گونه رفتار می‌شود، ضرورتش را کنید من بخواهم فیلم سینمایی آقای بهشتی یا فیلم سینمایی بسازم که

<div><div>ما به مخاطب دروغ نگفتیم</div></div>
<div><div>اهمیت روایت این بخش از تاریخ و نیاز امروز جامعه بگویند.</div></div>
<div><div>تاریخ گذشته، قطعاً آینه امروز ماست و می‌تواند افق آینده را تحت تأثیر قرار دهد. خلخالی از اتفاقاتی که در گذشته واقع شدند و به‌عزم ما تمام شدند، در یک دوره زمانی دیگری انگار در حال تکرار شدن هستند؛ خلخالی از تکررها، خلخالی از نگاه‌ها، خلخالی از رفتارها… از طرف دیگر به نظر خود شما این سوزه مقصودم آقای خلخالی است- تا همین الان که چندین سال از قهرنی‌های مشهورشان گذشته، چقدر محل بحث و جنجال بوده است؟ به نظر من که خیلی هم دیر شده است. خیلی زودتر از اینها باید راجع به این موضوع حرف می‌زدیم. نسل اولی‌ها سر این موضوع حرف می‌زدند، دهه شصتی‌ها نظرات‌شان متفاوت است، ما که هفتادی هستیم به شکل دیگری و هشتمادی</div></div>

بررسی دو قطبی اعتدال و تندروی به بهانه نمایش «ضد قهرمان» در هجدهمین جشنواره سینماحقیقت واکران عمومی آن

حکایت حریر و دشنه

روحانی، محمد حسین قدوسی، محسن رفیق‌دوست، مصطفی پورمحمدی و سایر شخصیت‌های فعال آن دوره، تلاش می‌کند همراه با تصاویر آرشیوی غنی با بررسی فضای سیاسی و اجتماعی دوران پس از انقلاب، تصویری چندوجهی از خلخالی و تصمیماتش حاضر در این مستند درباره ضرورت بازخوانی مستند در پرونده پیش رو با چهره‌های حاضر در این مستند درباره ضرورت بازخوانی این دوره از تاریخ گفت‌وگو کرده‌ام. «ضد قهرمان» تازه‌ترین مستند جنجالی سازمان هنری رسانه‌ای اوج و از آثار به نمایش درآمده در بخش مسابقه هجدهمین جشنواره سینما حقیقت است. این مستند که در جشنواره با استقبال خوبی همراه بود و البته نظرات موافق و مخالف زیادی داشت بزودی و طبق برخی اخبار از هفته آینده اکران شود.

دوربین بیایند. لطف خدا بود که این دوستان اعتماد کردند و ما هم تلاش کردیم جواب این اعتماد را بدهیم. در مورد بخش دوم سؤالتان باید بگویم که ما به این آدم‌ها، در دل پژوهش رسیدیم. به‌نظرم از دل دیالوگ‌ها و رفت و آمدهایی که در مستند داریم، می‌توان این سنسچر را داشت که موعضشان آن زمان چطور بوده است. چه زمانی که آنها را در مقام پرسشگر به چالش می‌کشیم و چه به عنوان کارگردان، در تدوین، ضد نقیض حرف‌ها را مقابل دیگری قرار می‌دهیم، مخاطب در سیر منطقی داستان می‌تواند به جواب درست برسد.

با وجود اعتراف شما در ابتدای مستند اما جای خالی خانواده خلخالی احساس می‌شود؛ کاش این اتفاق می‌افتاد تا پاسخ قانع‌کننده‌تری به برخی انتقاد هایپرامون موضع داشتن فیلم نسبت به این شخصیت باشد.

از روز اول تمام تلاشمان را کردیم، اما سراغ هر کدام که رفتیم، گفتند تصمیم جمعی‌مان این است که مصاحبه‌ای به این شکل متمرکز نداشته باشیم.

در روند تحقیق و همین‌طور ساخت مستند، کدام دریافت تازه‌تان برایتان عجیب و شگفتی‌ساز بود.

دیالوگ‌هایی که شاهدان زنده از تقابل‌های آقایان شهید بهشتی و خلخالی می‌گفتند برایم حیرت‌انگیز بود؛ یعنی تک‌تک جمله‌ها و کلمه‌ها.

<div><div>یکی از همین تقابل‌ها صحبت آقای رفیق‌دوست است که به نقل از شهید بهشتی می‌گویند آن دادگاهی تماشایی است که خلخالی را محاکمه کنیم.</div></div>
<div><div>این برای خود من هم حیرت‌انگیز است.</div></div>

بافاصله‌بعداز این صحبت‌ها، بخش تصاویر مراسم عزاداری آقای شهید بهشتی و حضور آقای خلخالی در این مراسم که انگار مدیریت سینه‌زن هاو دم‌گرفتن‌شان را برعهده‌دارد، شوکه‌کننده است. یک هشدار ضمنی در این صحنه است که انگار این جریان، این تکررو این نگاه همچنان ادامه دارد.

چه بگویم، چه بگویم واقعاً (خنده).

خلخالی در سال‌های آخر عمر، «مهور و تنها و حتی از منقری مطرود بود؛ اما هرگز کار به دادگاه نمی‌کشد.
تحلیل تاریخی‌اش این است که بالاخره افراد تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر که در سطح کلان‌تری ماجرا را می‌دیدند یا بررسی تمام ابعاد به این اقدام می‌رسند و باید پاسخ درست‌تر از خودشان جویا شد؛ البته آقای پورمحمدی در جایگاه رئیس مرکز اسناد و به‌عنوان یکی از شاهدان عینی هم در مستند اشاره می‌کنند تصمیم‌گیرندگان مصلحت را در این دیدند که فردی از چنین ویژگی‌هایی در کنار لای دیگری مدیریت کنند، اما نظر شخصی من به‌عنوان جوانی که چندین دهه از آن ایام فاصله دارم و به خاطر علاقه‌مندی به تاریخ در این ایام سوزه‌ها غرق‌شدم، این است، اما اگر این اطلاعات و همفکری خوبی بودند اما حاضر نبودند جلوی

<div><div>مهم‌ترین مؤلفه در کشش این مستند برای مخاطبان را چه می‌دانید. فارغ از سوزه جنجالی و کنجکاوی برا رنگیز چه چیزی باعث جذب مخاطب کم‌دی پسند سینمای ایران به این مستند تاریخی و اختصاص سانس‌های ویژه برای آن در هجدهمین جشنواره سینما حقیقت شده است؟</div></div>
<div><div>مخاطب ایرانی بسیار باهوش است. ما با نسل فعال دهه هشتادی و نودی و هفتادی طرف هستیم که از پوستر و خبر فیلم می‌تواند به چند و چون کار ما باسی برسد. مخاطب می‌داند ما به او دروغ نمی‌گوییم و نکفتیم. مخاطب می‌داند ما از خودش هستیم و با زبان خودش داریم حرف می‌زنیم. سازندگان مستند را جدا از خود نمی‌بیند. خوب می‌فهمد که هدف ما دادن</div></div>